

به سوی نظم نوین جهانی

Carlos del Ama, *Hacia Un Nuevo Orden Mundial*, UAM Edition, (2008), 152 p.

کتاب «به سوی نظم نوین جهانی» اجازه می‌دهد تا نظم موجود در صحنه جهانی و الگویی که در حال حاضر در اتحادیه اروپا در حال شکل‌گیری است، همراه با گزینه‌های دیگر مورد شناسایی قرار گیرند. لذا، راه‌حلهایی که منجر به همکاری در روابط بین‌الملل و تضمین صلح می‌گردد را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. یکی از جنبه‌های مورد نظر این است که سازمان ملل که توسط فاتحان جنگ جهانی دوم و با هدف تضمین استیلای آنان ایجاد گردیده، تشکیلاتی است که تنها قادر به حل مسائل خرد می‌باشد و عملاً ناتوانی خو را در قبال مسائل اصلی و کلان به نمایش گذارده است.

پروفسور آما (نویسنده اسپانیایی کتاب) امپراتوری فعلی آمریکا را مورد بررسی قرار داده و آن را با ساختار اتحادیه اروپا مقایسه می‌نماید و در این ارتباط به سؤال‌های اساسی ذیل پاسخ می‌دهد: چیرستی اتحادیه اروپایی؟ و ضرورت وجودی اتحادیه اروپا؟ کارلوس دل‌آما، در این کتاب به بررسی سلطه فعلی آمریکا می‌پردازد و آن را با روابط بین‌المللی درون اتحادیه اروپایی مقایسه می‌کند. وی با بررسی هویت، علل وجودی و مأموریت اتحادیه اروپایی، می‌کوشد فقدان ایدئولوژی را برطرف سازد که هنوز مورد بحث است و مشکلات موجود در تأیید قانون اساسی را پررنگ می‌سازد. نویسنده کتاب، به منظور درک ایدئولوژی افراط‌گرایان اسلامی، به مدت پنج‌سال، به فراگیری زبان عربی پرداخته و همچنین به هفت کشور عربی سفر کرده است. خود نویسنده در خصوص افراط‌گرایی اسلامی اظهار می‌دارد که بین شناخت ما از آنها که غالباً پیش‌دواری‌های بی‌اساس بوده است و آنچه آنها از ما می‌دانند، توازنی وجود ندارد. چرا که (به اذعان نامبرده)، میلیون‌ها عرب آشنا به زبان‌های غربی می‌باشند.

از سوی دیگر، افراط‌گرایان با استفاده کاربردی از جملات کلیدی قرآن و گنجاندن آنها در قالب‌های انقلابی و مارکسیستی، به پدیده افراط‌گرایی کمک نموده‌اند. وی برای روشن‌نمودن موضوع، مثالی به کار می‌برد بدین‌مضمون که واژه جهل در عربی به دوران قبل از حضرت محمد (ص) اطلاق می‌گردد، اما افراط‌گرایان از صفت ساخته‌شده از این واژه برای اشاره‌نمودن به افرادی که به‌طور دقیق مبانی اسلامی را رعایت نمی‌کنند، نیز استفاده می‌نمایند.

سرانجام نویسنده مدلی برای هماهنگ‌سازی روابط بین‌الملل در یک نظام جهانی و پر از صلح ارائه می‌دهد. در این کتاب می‌خوانیم که چگونه زیستن به همزیستی بدل خواهد شد.

به عقیده کارلوس دل آما، اروپا نمی‌تواند به گسترش خود ادامه دهد چرا که با هر اقدام به گسترش اتحادیه اروپا، از همبستگی آن کاسته می‌شود. وی همچنین ضمن اشاره به مشکلات پیوستن ترکیه و روسیه به اتحادیه اروپایی، اظهار می‌دارد که الحاق روسیه به خاطر هزینه‌ها و تبعات اجتماعی آن، غیر ممکن است. از نظر وی، در خصوص ترکیه، علاوه بر مشکلات فرهنگی و سیاست‌های داخلی آن کشور، می‌بایست به نظرات فرانسه و آلمان نیز در این مورد توجه نمود. کارلوس دل آما، از تجربیاتی در تشکیلات دولتی، سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا برخوردار است.

سرفصل‌های کتاب «به سوی نظم نوین جهانی» عبارتند از:

- سلطه (تاریخچه، توسعه جغرافیایی، قدرت نظامی، نتیجه‌گیری)،
- مخالفت با سلطه (بنیادگرایی اسلامی، تفکر غربی، ریشه‌های بنیادگرایی اسلامی، حس شکست، ایدئولوژی بنیادگرایی، مذهب و سلطه)،
- اتحادیه اروپایی چیست؟ (هویت اروپایی، هویت و عمل، سنت موروثی، اروپا؛ حقیقت و متقاعد سازی، حقیقت و اتفاق نظر، حقیقت چیست؟، فقدان حقیقت، زبان، ماهیت اتحادیه اروپایی)،
- دلیل تشکیل اتحادیه اروپایی چیست؟ (همبستگی برپایه منفعت، دلایل اقتصادی)،

- کارایی اتحادیه اروپایی چیست؟ (حمایت مشترک، مأموریت اتحادیه اروپایی، ایجاد یک دولت اروپایی، مفهوم دولت، دولت سیستماتیک، دولت در سیستم، آغاز همبستگی، سیاست دفاعی، سیاست داخلی، سیاست تکنولوژیک، سیاست آموزشی، سیاست اقتصادی)،

- روابط بین‌الملل، فرد، شیوه انسان بودن، چه نوع انسانی می‌خواهیم باشیم؟، توسعه، هسته اتحادیه، مرزهای اروپا کجا هستند؟، مرزهای غرب، مرز شرق، روسیه، ترکیه، مرز جنوب، مرز غرب.

در مقدمه کتاب مذکور می‌خوانیم:

«پیشنهاد قانون اساسی اروپایی که در مورد آینده اروپا توسط کنوانسیون در شورای تسالونیکا^۱ مطرح شد، همچنین گسترش اتحادیه به بیست و پنج عضو و جنگ عراق، رویدادهای مهمی هستند که سال ۲۰۰۳ را سالی تاریخی ساختند. پیشنهاد قانون اساسی به عنوان یک تعهد نویدبخش مطرح می‌شد و جنگ عراق، پس از چندین دهه هم‌پیمانی، شکافی را بین اروپا و ایالات متحده ایجاد می‌کرد. سه سال بعد، قانون اساسی به صورت راکد درآمد و حمله به عراق، از اولین بمباران‌ها تا امروز بدون هیچ افق راه‌حلی، تداوم یافت که، طبل‌های تازه جنگ به بهانه توان ایران برای ساخت سلاح‌های کشتار جمعی به صدا در آمده است. فردا شاید پاکستان، به عنوان خاستگاه و پناهگاه طالبان، یا هر نقطه دیگری از کره زمین، کاندیدای هدف جنگی پیشگیرانه باشد؛ برداشتی خطرناک که همگان را تهدید می‌کند. دولت‌های اسپانیا و ایتالیا، علناً اذعان کرده‌اند که جنگ عراق، یک اشتباه بود، اما اشغال این کشور در میان قتل‌عام‌ها ادامه دارد و این در حالی است که افغانستان موفق به مهار شعله‌های خود نیست و درگیری میان اسرائیل و فلسطین بدون چشم‌اندازی صلح‌آمیز همچنان ادامه دارد. در این حال، نیویورک، واشنگتن، مادرید و لندن هنوز به خاطر قربانیان خود می‌گریزند».

زمانی که شمار کشتارهای خشونت‌بار به ده‌ها هزار می‌رسد، اغتشاشی در روند طبیعی حوادث پدید می‌آید که سبب می‌شود روزمرگی‌ها به عنوان یک مشکل انگاشته شوند. من واژه مشکل را با همان حس به کار می‌برم که یک راننده اتومبیل با شنیدن صدای مداوم و غیرطبیعی موتور، به مسافران می‌گوید: «مشکلی پیش آمده، ولی نمی‌دانم چیست».

با قاطعیت می‌گوییم که اتفاق بدی در جهان در حال رخ دادن است، اما نه به‌خوبی می‌دانیم که آن اتفاق چیست و نه باور داریم که راه‌حل احتمالی آن در دست ماست. تأثیر سنگ‌ها بر ضدگلوله‌ها، فرمان‌های گشودن آتش، شلیک‌های اتوماتیک، صدای گلوله‌ها، اجساد کتک‌خورده‌ای که نقش زمین شده‌اند، فریادهای درد، سایش دندان‌ها، گریه‌های مادران... قطعاً که مشکلی داریم. چه می‌توان کرد؟

یکی از استادانم، که یک بریتانیایی بود، زمانی که نه به طور واضح می دانست تعریف اروپا چیست و نه دلایلی که به خاطر آنها می بایست به یک اتحادیه اروپایی اعتماد کرد واضح بود و نه کسی می دانست که برای چه خواهان یک اتحادیه اروپایی هستیم، تردیدهای خود را در مورد منفعت بحث بر سر آینده اروپا مطرح می کرد. اعتراض او با این بحث آرام شد که این فراخوان برای تصمیم گیری بر سر کنوانسیون، حل مسأله و باز گذاشتن « پرسش اولیه » بوده است.

به عنوان جزئی از مشکل همزیستی در یک جامعه جهانی، هدف اولیه کتاب حاضر، تلاش برای پاسخ دهی به پرسش اولیه در مورد اتحادیه اروپایی است. در این مورد سه سؤال مطرح است؛

اتحادیه اروپایی چیست؟

علت تشکیل یک اتحادیه اروپایی چیست؟

ضرورت تشکیل یک اتحادیه اروپایی کدام است؟

با پی بردن به هویت و مأموریت اتحادیه اروپایی، برآنیم که به پایه ریزی علت وجودی آن پردازیم و برای رفع بخشی از فقدان ایدئولوژیک موجود، بکوشیم. آیا ما ایدئولوژی ها را بدون نظریه و بدون ایده آل رها خواهیم کرد؟ از سوی دیگر جاسپرز^۱ در ۱۹۵۰، به طرح مشکلات جهانی شدن پرداخت و یک نظام جهانی را برای کنترل این مشکلات پیش بینی کرد. وی به تعمیق دو گزینه ممکن پرداخت:

۱. امپراطوری جهانی، تحت یک قدرت واحد که صلح اجباری را به اجتماع توده های متحد تحمیل کند.

۲. نظام جهانی که بدون خشونت، سبب همگرایی تمام کشورها شود؛ یک تصمیم مشترک که آزادانه همانند نتیجه یک روند مذاکره اتخاذ شده است. مشکلی که جاسپرز در مورد سازماندهی یک نظام جهانی مطرح می کند، موضوع مهم دیگری است که در این مبحث نمی گنجد. دو گزینه ای که وی به عنوان مدل های همزیستی بین المللی ارائه می دهد، در این کتاب مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

چنانچه مشهود است، مسأله اروپا و سازماندهی یک جامعه جهانی، در یک موضوع واحد به عنوان دو وجه یک سکه با هم تلاقی می کنند.

چگونه می توان همزیستی میان ملت ها را در قرن ۲۱ سازماندهی کرد؟

سازمان ملل که توسط فاتحان جنگ جهانی دوم برای اثبات نفوذ خود بر جهان و به حاشیه راندن ملل شکست خورده تأسیس شد، سازمانی است که به عنوان مجلس بین‌المللی و محلی برای حل مشکلات کوچک کفایت اما این سازمان عدم توانایی خود را برای حل مشکلات اساسی نشان داده است.

وتوی اعضای ثابت شورای امنیت، دستیابی به هر نوع توافق احتمالی را تسهیل نموده و توانایی از پیش مشخص شده دولت‌های قدرتمند، به آنها این امکان را می‌دهد که در حاشیه نظر سایر کشورها عمل کنند و فقدان حاکمیت سازمان ملل متحد سبب می‌شود که قطع‌نامه‌ها بدون توجه به نقش تعیین‌شده‌اشان، بر روی هم انباشته شوند. بارقه‌ای از امید در این مطلب وجود دارد که اتحادیه اروپایی درک جدیدی از روابط بین‌الملل را به میان کشیده است که با مطالعه و در نظر داشتن زمان توافق ملل در یک جامعه جهانی، سازگار است.

نظریه‌ای که مطرح می‌شود، تأیید می‌کند که در روابط بین‌الملل، ارتباطات، درک و همکاری، منفعت بیشتری را در مقایسه با سلطه، خشونت و مواجهه به همراه دارد. حاصل این همکاری بیشتر از آن چیز است که مواجهه به همراه دارد و حتی فراتر از آن است که از طریق فعالیت مستقل و رقابت جویانه کسب می‌شود.

اتحادیه اروپایی یک جامعه ارتباطی است که خشونت را در میان اعضای خود کنار گذاشته است و در جستجوی هماهنگی، از خلال «ارتباط پویا و فعال»^۱ است. ارتباط فعال و پویا رویکردی است که از طریق جستجوی مشترک حقیقت به واسطه زبان برقرار می‌شود. این مسأله همچنین می‌تواند منعکس‌کننده لزوم زبان به عنوان یک وسیله ارتباطی باشد.

کتاب «بودن و زمان» هایدگر و «تئوری ارتباط پویا و فعال» اثر هابرماس به عنوان معیار مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. در مبحث اصلی، بازنگری نظریه ناش در مورد موازنه استراتژیک، تحت عنوان همبستگی براساس منفعت مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این همبستگی زمانی حاصل می‌شود که استراتژی‌ها مورد توافق واقع شده‌اند و منافع از خلال مذاکره همگانی میان فعالان ناراضی تقسیم شده‌اند. نه کسانی که نقل قول از هایدگر را مورد انتقاد قرار می‌دهند و نه کسانی که به دلیل ایدئولوژی‌های متضاد، به سانسور می‌پردازند، از ذکر نام هابرماس غافل نمی‌مانند. هنوز ایده‌های خوب، میراث بشریت در حاشیه زندگی نامه‌های متفکران است.

مشکل اصلی، ریشه در این مسأله دارد که به رغم آنچه در قرون قبل رخ میداد، اکنون، در یک جامعه جهانی، هم‌نوع، هر بار بیش از پیش، یک غریبه است؛ به این دلیل که انسان باید با اشکال تازه بودن، نظیر اجتماعی بودن، مواجه شود. با استفاده از ایده هایدگر در مورد «آنجا بودن» که نظیر «در جهان بودن» است، پی خواهیم برد که ما نوع بشر، از «بودن در جهان‌های متفاوت محدود و در کنار هم» گذشته ایم و به «بودن در یک جهان واحد باز و مشترک» رسیده ایم که در آن «زیستن» به «همزیستی همگان با یگدیگر» تبدیل شده است؛ چه برای افراد مشابه و چه برای افراد متفاوت، نزدیک یا دور، آشنا یا غریبه. چالش ما بررسی چگونگی ساختارهای جدید نظام جهانی برای سهولت همزیستی به عنوان فرد و درون ملل است. با در نظر گرفتن سایر افراد که با آنها در این جهان شناخته شده، شریک هستیم و با درک این مطلب که زیستن نوعی همزیستی است، اولین چیزی که باید آن را شریک شد، شناخت ما از این جهان به وسیله ارتباطات است. بسیاری از مشکلات همزیستی ناشی از مواجهه دیدگاه‌های مختلف در مورد جهان است. در حالی که ساختارهای سیاسی همچنان جهان را در مناطق مرزبندی شده مشخص می‌کنند که گاه‌نیز در رویارویی با هم قرار میگیرند، جهانی شدن بر آن است که جهان از فروپاشی و لایه‌لایه شدن در طول و عرض این سیاره دست بکشد.

روابط هم در درون کشورها و هم در اقشار مختلف اجتماعی که از موانع سرزمینی عبور می‌کنند، برقرار می‌شوند: رؤسای جمهور، دانشمندان، ورزشکاران، تولیدکنندگان نفت، سرمایه‌گذاران ... این یک فهرست بی‌پایان است. هر گروهی، ملاقات‌ها، نشریات، سایت‌های اینترنتی، محصولات مشترک، منافع مشترک، منابع اطلاعاتی، روند شکل‌گیری، تماس‌های تلفنی، مکاتبات و... خود را دارد و همه اینها بدون در نظر گرفتن مرزهای ملی و در حاشیه سایر گروه‌های اجتماعی است.

طرح این کتاب، ارزیابی مدل هژمونیک فعلی و مدل اروپایی به همراه گزینه دیگری است که به عنوان پاسخ‌هایی به جهانی شدن و نیز تهدیداتی به همزیستی جهانی، پیشنهاد می‌شوند. همچنین پیشنهادهای در مورد اتحادیه اروپایی جدید بر مبنای قانون اساسی و عملکرد آن در جامعه جهانی مطرح می‌گردد.

پریسا شاه‌محمدی